

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان

دکتر طهمورث شیری *

فربیا جوادی نژاد**

چکیده

مقاله پیش رو به بررسی اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان (مطالعه موردی رشته علوم اجتماعی) می‌پردازد. هدف کلی و اصلی در این تحقیق بررسی اثر رشته تحصیلی علوم اجتماعی در دانشگاه بر خودباوری فرهنگی دانشجویان می‌باشد. چارچوب نظری تحقیق براساس نظریات تالکوت پارسونز و امیل دورکیم می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی است و از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری متشکل است از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان آگاهی و شناخت دانشجویان از فرهنگ و مفاخر ملی و نیز انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی و عناصر مذهبی به آنان موجب افزایش خودباوری فرهنگی دانشجویان می‌گردد. همچنین نتایج نشان می‌دهند بین نوع جنسیت دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان و نیز بین گرایش تحصیلی دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. **واژه‌های کلیدی:** فرهنگ، فرهنگ ملی، خودباوری فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی، علوم اجتماعی.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۲۰ شهریور ۱۳۹۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۲۲ آذر ۱۳۹۰

*استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Shiri.tahmoures@gmail.com

fjavadi77@yahoo.com

**دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، گرایش جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مقدمه

«فرهنگ» میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. فرهنگ بسان هر کالای گران بهای دیگر، همواره در معرض خطر دستبرد راهزنان و شیدان قرار داشته است، به ویژه در قرون اخیر، کشورهای قدرتمند و استعمارگر جهان سعی در انهدام و نابودی فرهنگ‌های جوامع و ملل دیگر داشته‌اند.

اما نکته مهم در اینجاست که در هر جامعه‌ای دانشجویان با تحصیل در دانشگاه‌ها و رسیدن به خودباوری فرهنگی می‌توانند تأثیر بسزایی در رشد و ارتقاء جامعه خود در عرصه‌های گوناگون داشته باشند. چنانچه فرهنگ را مجموعه‌ای از هنجارها، قوانین و عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها و ارزش‌ها، الگوهای ارتباطی و همچنین امور جاری ارزشمند و معقول یک جامعه بدانیم که افکار و احساسات و رفتار اعضای آن اجتماع را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین فرهنگ، همه ابعاد و شئون زندگی را در بر می‌گیرد و خودباوری فرهنگی به معنای شناخت و باور فرهنگ خویشتن است.

دانشگاه در طول سال‌ها ارائه خدمات صادقانه، پاسخگوی نیازهای مهم فرهنگی، علمی و اجتماعی خیل جوانان جویای علم در رشته‌های مختلف دانشگاهی بوده و در ساماندهی فضای جامعه، کشف استعدادها و پرورش سرمایه‌های اجتماعی و پیشرفت ایران اسلامی نقشی اثربخش و کارآمد داشته است و در این میان فرهنگ که در باورهای دینی و انقلابی ما اصالت دارد، روح و شخصیت دانشگاه را می‌سازد و به آن هویت و اعتبار می‌بخشد. پیوند اسلامی دانشگاه مؤید این مهم می‌باشد و باید به این نکته توجه داشت که نهاد دانشگاه پرورش و تعلیم و تربیت آینده‌سازانی فرهیخته و متخصصانی متعهد و متخلق را بر عهده دارد که این امر مسئولیتی خطیر و عظیم‌الشان است.

بیان مسئله

فرهنگ، مایه‌های فکری و ارزشی یک جامعه است که اساس کنش‌های انسانی قرار می‌گیرد و شامل باورها، شناخت‌ها، رفتارها، گرایش‌ها و کردارهاست. بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه نقش اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. آنچه

انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند فرهنگ یعنی حاصل اندیشه است و بدون اندیشه نمی‌تواند در مرتبه انسانیت باقی بماند و خود را کمال بخشد.

اما باید توجه داشت که هر فرهنگی برای پویایی و حیات خویش، نیاز به انتقال صحیح ارزش‌ها، باورها، هنجارها و کلیه عناصر فرهنگی به نسل جوان دارد، هر گاه به عللی انتقال فرهنگ دچار اختلال گردد، نسل جدید از فرهنگ جامعه خویش فاصله خواهد گرفت. جدایی نسل جدید از فرهنگ خویش، موجب آسیب‌پذیری آنان در قبال فرهنگ بیگانه خواهد بود. فرهنگ مقوله‌ای متکثر و منتشر است و مستقیماً با باورها و اعتقادات فرد و جامعه ارتباط دارد.

از این میان خودباوری فرهنگی موضوع مهمی است. خودباوری فرهنگی نوعی نگرش فرد نسبت به فرهنگ جامعه خویش است اگر این نگرش مثبت باشد آن را خودباوری فرهنگی گویند. خودباوری فرهنگی موضوعی است که پردازش و شناخت آن در جهت آگاهی و رشد و بالندگی جامعه، به ویژه نسل جوان می‌تواند مفید و مؤثر باشد. به طور کلی فرد و جامعه به فراخور حال و موقعیت خود نیازمند تغذیه فرهنگی می‌باشند. ارتقاء سطح آگاهی در جامعه این نیاز را افزایش می‌دهد. از جمله آفت‌های فرهنگی سطحی‌نگری، ظاهربینی و ساده‌انگاری در تحلیل و اکتفا به لایه‌های بیرونی است. اگر به فرهنگ به عنوان بزرگترین پشتوانه در تسلط بر دشواری‌های موجود نگرسته شود بدون شک نمی‌توان نقش آموزش را در ترویج و ارتقاء فرهنگ نادیده گرفت. دانشگاه نهادی مهم و تأثیرگذار در انتقال صحیح عناصر فرهنگی به دانشجویان است و خدماتی را به فرهنگ ارائه می‌نماید. هر ساله تعداد زیادی دانشجو در رشته‌های مختلف در دانشگاه به تحصیل می‌پردازند. رشته علوم اجتماعی یکی از رشته‌هایی است که فرهنگ در آن جایگاه خاصی دارد.

«علوم اجتماعی دانشی در خانواده علوم انسانی است و به گروهی از رشته‌های دانشگاهی گفته می‌شود که هدف از آن شناخت علمی ابعاد اجتماعی پدیده‌های حیات است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۵۲).

اهمیت شناخت فرهنگ، با ابعاد وسیع و متنوع و انسان شمول آن در علوم اجتماعی امروز بسیار مهم است. محتوای آموزشی رشته‌های تحصیلی می‌تواند دانشگاه را قادر به تربیت جوانانی سازد که از یک سو انتقال‌دهنده فرهنگ آن سرزمین و از سوی دیگر پذیرای نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در عرصه علوم و تکنولوژی باشند.

باید گفت در نتیجه رشته‌های مختلف دانشگاهی امروزه دانشگاه به عنوان نهادی آموزشی و فرهنگی، به جهات متعددی نقش فرهنگ‌سازی را برعهده دارد. فرهنگ‌سازی نه به معنای دگرگونی فرهنگ موجود یا خلق فرهنگ‌های جدید بلکه به معنای تمرکز بر ارزیابی فرهنگ‌های دیگر و انتخاب و معرفی وجوه هماهنگ آنها با ساختار فرهنگ بومی است. از این رهگذر دانشگاه می‌تواند با ابزار آموزش به نقد فرهنگی و اجتماعی همت گمارد و با پرورش انسان‌های توانا و فرهیخته و آموزش نخبگان و برگزیدگان یک جامعه، مهمترین نهاد آموزشی در توسعه فرهنگی باشد.

اگر ما خواهان جامعه‌ای هستیم که جوانان آن به ویژه دانشجویان از خودباختگی فرهنگی به دور باشند و به خودباوری فرهنگی نزدیک شوند باید ابتدا از دانشگاه و امر آموزش شروع کنیم. اساس تحقیق و پژوهش پیش رو بر این پرسش استوار است که رشته تحصیلی (علوم اجتماعی) در دانشگاه چه تأثیری بر خودباوری فرهنگی دانشجویان دارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی و اصلی در این تحقیق عبارت است از:

بررسی اثر رشته تحصیلی علوم اجتماعی در دانشگاه بر خودباوری فرهنگی دانشجویان.
و اهداف فرعی:

شناسایی الگوها و ارزش‌های فرهنگی دانشجویان رشته علوم اجتماعی.
شناخت میزان آگاهی دانشجویان رشته علوم اجتماعی از فرهنگ ملی و بومی.
شناخت میزان پذیرش ارزش‌های فرهنگی جامعه توسط دانشجویان رشته علوم اجتماعی.
ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء خودباوری فرهنگی دانشجویان.

فرهنگ و هویت فرهنگی

فرهنگ ماناترین وجه زندگی بشری است که به وسیله آن انتظام می‌گیرد و انسان موجودی اجتماعی می‌گردد. فرهنگ هر قوم و ملت خمیرمایه حیات ابدی، سرچشمه تراوش دانش و معرفت و از ارکان بقا و ثبات آن قوم و ملت به شمار می‌رود.
توجه جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و فلاسفه به فرهنگ و فرهنگ‌شناسی سبب ارائه تعاریف گوناگونی از این مقوله مهم شده است.

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان ۱۴۵

گفته می‌شود که کامل‌ترین تعریفی که از فرهنگ تاکنون مطرح شده از تایلر است. به نظر او «فرهنگ مجموعه آمیخته و پیچیده و نظام یافته‌ای است از دانستنی‌ها و شناسایی‌ها، هنرها و باورها و آئین‌ها، حقوق و آداب و رسوم، منشأ خوبی‌ها و بسیاری چیزها که انسان از جامعه خویش کسب کرده است» (فرید، ۱۳۸۰: ۲۶۴).

«فرهنگ، نه یک شیوه زندگی متمایز کننده انسان از حیوان است، بلکه یک شیوه زندگی جمعیتی معین و متمایز کننده گروه‌ها و اجتماع‌های مختلف از یکدیگر است» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۸).
«فرهنگ کلیت پیوسته‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات و آداب و سنن، احساسات و گرایش‌ها و عناصر تشکیل دهنده شخصیت و اخلاق و اعمال هر قوم و ملتی است. فرهنگ همچنین دارای خصوصیات زیر است: از قبیل هویت دهنده‌گی، توسعه خواهی و خلاقیت و پویایی است» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۸).
«فرهنگ یک وسیله سازگاری فرد با محیط خارجی و در عین حال وسیله‌ای جهت ظهور مقادورات خلاق اوست» (نراقی، ۱۳۶۳: ۱۸۶).

اکنون برای پرداختن به مفهوم هویت فرهنگی نخست واژه هویت را بررسی می‌نماییم.

هویت به چه معناست؟

هویت به معنی چیستی و کیستی است و از نیاز طبیعی انسان برای شناخته شدن به چیزی یا جایی برمی‌آید.

«از نظر لغوی، این واژه معنای تداوم و تمایز را می‌رساند. گرچه این دو معنا متضاد به نظر می‌آیند، در اصل به دو جنبه اصلی و مکمل هویت معطوف هستند. بر این پایه، هویت را می‌توان به احساس تداوم و پیوستاری، بی‌مانندی یا تمایز بودن از دیگران مربوط دانست» (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۶۱).

اگر چه مبحث هویت، یعنی بحث و تلاش برای پاسخگویی به پرسش «من کی هستم؟» قدمتی دیرینه دارد، در ابعاد اجتماعی یکی از اساسی‌ترین و بدیع‌ترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن به شمار می‌آید.

«هویت مجموعه‌ای از معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه‌ای از معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد» (عاملی، ۱۳۸۳: ۳۹).
در رابطه با هویت فرهنگی باید بیان نمود، «خصوصیاتی که فرهنگ یک جامعه را از جوامع

۱۴۶..... فصلنامه فرهنگ ارتباطات (سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰)

دیگر متمایز می‌سازد، معرف شناسنامه فرهنگی آن جامعه است. به عبارت دیگر گذشته تاریخی، حماسه‌های آبا و اجدادی، سرزمین نیاکان، زبان مادری، باورها و سنت‌های طایفه‌ای، مفاخر ملی، اسوه‌های دینی، «عصیت»‌های قومی، هنر و ادبیات موروثی «هویت فرهنگی» جامعه را تشکیل می‌دهد» (روح‌الامینی، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۰).

هر جامعه‌ای، معمولاً، در همه جا و همه وقت بر اصالت هویت فرهنگی خود تأکید می‌کند و می‌کوشد که با قدرت و غرور مشخصه‌های این هویت را زنده نگهدارد و از آن دفاع کند. «باید توجه داشت که «فرهنگ، این میراث جهانی بشریت، در همه مکان‌ها و در همه زمان‌ها یکسان نیست. هر قاره‌ای، هر کشوری، هر شهری و هر دهی دارای ویژگی‌هایی است که در قاره، کشور، شهر و ده دیگر عیناً مانند آن یافت نمی‌شود. به عبارت دیگر شرایط و مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، خانوادگی، اعتقادی، زبانی، سنتی و هنری هر جامعه‌ای باعث می‌شود که فرهنگ آن جامعه، در عین حال که با فرهنگ بشری هم‌آهنگ است، دارای ویژگی‌های مختص به خویش باشد و مجموعه این ویژگی‌ها است که «هویت فرهنگی» هر منطقه و جامعه را مرزبندی می‌نماید. و با توجه به این شرایط و مقتضیات است که دستاوردها و اندیشه‌ها با مرزبندی‌هایی چون فرهنگ جهانی، فرهنگ آسیایی و فرهنگ ایرانی متمایز می‌گردد» (همان: ۱۵۰).

چارچوب نظری تحقیق

اساس چارچوب نظری تحقیق را نظریات تالکوت پارسونز و امیل دورکیم تشکیل می‌دهند.

«پارسونز فرهنگ را نظام الگودار و سامانمندی از نمادها می‌داند که هدف‌های جهت‌گیری کنشگران، جنبه‌های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در بر می‌گیرد» (ریترز، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۳۱).

پارسونز بر لزوم تعریف ارزش‌ها به عنوان مقولاتی مستقل از تمام سطوح مشخص تفکیک یافتگی ساختاری سیستمی که آنها را در بر گرفته تأکید می‌کند. افراد از طریق مشارکت در فرهنگ مشترک جامعه، چیزهای خوشایند و ارزشمند را تعریف می‌کنند. ارزش‌های فرهنگی به طور همزمان هم در خرده نظام‌های جامعه نهادینه می‌شود و هم افراد آنها را که در قالب

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان ۱۴۷

عقاید، هنجارها، قضاوت‌ها و ارزش‌های متمایز می‌شوند، درونی می‌کنند. از این طریق، «عناصر هنجارمند والای فرهنگ» افراد را توانا می‌سازد تا جایگاه ویژه خود در نهادهای اجتماعی را استعلا بخشند، نهادهایی که معنای آنها از طریق کنشی درک می‌شود که از تجربه روزمره فراتر می‌رود.

بحث اصلی مورد نظر پارسونز نظام فرهنگی است که مجموعه‌ای از افکار، اعتقادات، باورهای جمعی و آداب و رسوم زندگی اجتماعی می‌باشد که فرد از جامعه کنونی و گذشته‌اش طی فرآیند جامعه‌پذیری فرا گرفته است. وجود این نظام باعث بقای جامعه می‌شود و اگر جامعه (نظام کل) نتواند این نیاز کارکردی را برآورده کند، انسجام خود را از دست می‌دهد و جامعه هویت جمعی‌اش (ملی) به خطر می‌افتد.

تالکوت پارسونز معتقد است که کار ویژه نظام فرهنگی، کنترل و نظارت از طریق تولید دانش و اطلاعات است و بدینوسیله نقش یک ترموستات را ایفا می‌کند. اگر خرده نظام‌های اقتصادی و سیاسی، انرژی یک نظام را تأمین می‌کنند، ترموستات فرهنگی یک نظام میزان انرژی را معلوم می‌کند. اگر دانشگاه بتواند نقش فرهنگی خود را به خوبی ایفا کند، آن وقت است که به نظام سیاسی نیز باید خط بدهد. باید برای نظام اجتماعی نیز الگو و راهنمای عمل باشد و برای نظام اقتصادی نیز قابلیت‌های لازم را تأمین و نیروی انسانی مورد لزوم را تربیت کند و ظرفیت انطباق نظام را با محیط افزایش دهد.

بخشی از نظام ارزشی ما باید توسط دانشگاه تولید و یا بازتولید شود. دانشگاهی که ریشه در زیست جهان ما داشته باشد. دانشگاهی که در خدمت جامعه‌پذیری افراد باشد. به عبارت دیگر دانشگاه یکی از محمل‌هایی است که توسط آن افراد با ارزش‌ها و فرهنگ‌های نسل پیشین آشنا می‌شوند. در نتیجه دانشگاه و رشته‌های تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان تأثیر می‌گذارند. فرهنگ (از نظر دورکیم) به عنوان نظامی نمادین، یعنی جهانی از معانی مشترک است که عملاً به افراد از طریق ارزش‌ها و ایده‌ها انگیزه می‌دهد.

«امیل دورکیم فرهنگ را نه صرفاً به مثابه ساختاری بیرونی بلکه به عنوان فرآیند نسبتاً مستقل عقاید و کردارهای انسانی تئوریزه می‌کند» (Swingewood, 1998).

از نظر امیل دورکیم آموزش و پرورش یک امر واقع اجتماعی بوده و یک عنصر اصلی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود.

بدون شک تعلیم و تربیت از تأسیسات اجتماعی است و چنانکه دورکیم گفته است وسیله انتقال میراث‌های فرهنگی و تمدنی، کارش اجتماعی کردن فرد و پروردن آن صفات و کیفیات جسمانی و عقلانی و اخلاقی است که جامعه یا طبقه یا گروه خواستار آنها است. در هر فرد دو وجود غیر قابل افتراق هست. یکی وجود فردی که از نفسانیاتی ساخته شده است که مخصوص به زندگانی شخصی است و دیگری آن که تشکیل شده است از مجموعه افکار و معانی و احساسات و عاداتی که مربوط به شخصیت فردی نبوده، ترجمان جمع یا جماعاتی است که فرد جزء آنهاست، مانند معتقدات دینی و اخلاقی و سنن ملی و حرفه‌ای و عقاید جمعی. این وجود را وجود اجتماعی می‌نامند و غایت تربیت هم، حصول کامل همین وجود در افراد است.

کار تعلیم و تربیت منحصر و محدود به رشد و نمو دادن اندام فردی، به طریقی که طبیعت طرح آن را ریخته و ظاهر ساختن قوایی که در کودک پنهان است، نیست. بلکه آموزش و پرورش وجود تازه‌ای در انسان ایجاد و خلق می‌کند.

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین نوع جنسیت دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معنادار وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد بین گرایش تحصیلی دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معنادار وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ ملی موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
۴. به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی به دانشجویان موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
۵. به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از مفاخر ملی موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
۶. به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح عناصر مذهبی به دانشجویان موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

جنسیت: آنچه شخص، جامعه یا نظام قانونی به عنوان مرد (مذکر) یا زن (مؤنث) تعریف می کند.

گرایش تحصیلی: زیر مجموعه های یک رشته تحصیلی، هر کدام گرایش تحصیلی نامیده می شوند.

خودباوری فرهنگی

تعریف نظری: خودباوری فرهنگی نوعی نگرش فرد نسبت به فرهنگ جامعه خویش است اگر این نگرش مثبت باشد، آن را خودباوری فرهنگی گویند. مراد از خودباوری فرهنگی باور به قوت، غنا، اصالت و کارایی فرهنگ خودی است به گونه ای که افراد احساس تعلق به آن فرهنگ نموده از این احساس خویش خرسند شوند.

تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور میزان نگرش مثبت دانشجوی رشته علوم اجتماعی به فرهنگ جامعه خود است.

رشته علوم اجتماعی

تعریف نظری: «از رشته های دانشگاهی و دانشی در خانواده علوم انسانی است که هدف از آن شناخت علمی ابعاد اجتماعی پدیده های حیات است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۵۲).
تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور همان رشته ای است که دانشجویان جامعه آماری در آن مشغول به تحصیل می باشند.

فرهنگ ملی

تعریف نظری: «فرهنگ ملی مردم یک سرزمین، فرهنگی است خاص آن مردم ملهم از ویژگی های محیط جغرافیایی، جهان بینی و نگرش، خواست ها و آرزوها، غم های مشترک، احساسات و اعتقادات آنها که از رنگ و بویی خاص برخوردار است و به آن ملت تشخص و هویتی متفاوت با دیگران می بخشد» (ورجاوند، ۱۳۶۸: ۲۳).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور از فرهنگ ملی، فرهنگ کشور ایران می باشد.

ارزش‌های فرهنگی

تعریف نظری: همه اموری که شایسته و مورد احترام و عنایت عموم است مانند احترام به گذشتگان، برخورد خوب با هم نوع و درک زیبایی‌های معنوی جامعه.

«ارزش‌های فرهنگی به عنوان یکی از عوامل تغییر یا عاملی که در مقابل تغییر مقاومت می‌کند، نامیده می‌شود» (روشه، ۱۳۸۲: ۸۱).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق منظور ارزش‌های فرهنگی دانشجویان رشته علوم اجتماعی می‌باشد. **مفاخر ملی:** مردان و زنانی که پیشگامان اندیشه و عمل در جامعه خود بوده‌اند همچون اندیشمندان، شاعران، مخترعین و هر قومی که نقش بسزایی در تعامل آرمان‌ها و کنش‌های اجتماعی و اقتصادی دارند.

عناصر مذهبی: عنصر مذهبی عبارت از حداقل قابل تعریف در مذهب می‌باشد مانند: دعا.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است.

پس از انتخاب جامعه آماری از آن نمونه‌گیری به عمل آمده و پرسشنامه‌ها پس از تنظیم (حصول اطمینان از اعتبار و روایی آن) در اختیار گروه نمونه قرار گرفته است و پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل بر روی آنها صورت پذیرفته است.

جامعه آماری

در این تحقیق جامعه آماری، کل دانشجویان مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در زمان انجام تحقیق هستند که تعداد آنان ۳۵۰ نفر و از این تعداد ۱۴۷ نفر دانشجویان گرایش جامعه‌شناسی، ۱۲۹ نفر دانشجویان گرایش مردم‌شناسی و ۷۴ نفر دانشجویان گرایش جمعیت‌شناسی بوده‌اند.

حجم نمونه

حجم نمونه به صورت زیر محاسبه شده و ۱۸۴ نفر بدست آمد.

$$n = \frac{N * \left(Z \alpha / 2\right)^2 * pq}{(\varepsilon)^2 * (N - 1) + \left(Z \alpha / 2\right)^2 * pq}$$
$$n = \frac{350 * (1.96)^2 * .25}{349 * (0.05)^2 + (1.96)^2 * ..25} = 184$$

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع سهمیه‌ای است بدین صورت با توجه به این که از ۳۵۰ نفر جامعه آماری ۱۴۷ نفر (۴۲٪) گرایش جامعه‌شناسی، ۱۲۹ نفر (۳۷٪) گرایش مردم‌شناسی و ۷۴ نفر (۲۱٪) گرایش جمعیت‌شناسی بودند در نتیجه از ۱۸۴ نفر حجم نمونه ۷۷ نفر از گرایش جامعه‌شناسی، ۶۸ نفر از گرایش مردم‌شناسی و ۳۹ نفر از گرایش جمعیت‌شناسی برای پاسخگویی به پرسشنامه انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه براساس روش‌های علمی طراحی شده و پس از ارزیابی اعتبار و روایی آن برای گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

اعتبار و روایی

در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است. «منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۸۷). در تحقیق پیش رو نیز پرسشنامه طرح شده، توسط افراد متخصص در جامعه‌شناسی (از جمله استاد راهنما، استاد مشاور و اساتید دیگر) مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نظر آنان نکات اصلاحی در پرسشنامه منظور شد. روایی به بررسی قابلیت تکرار پذیری ابزار تحقیق می‌پردازد. برای سنجش روایی مقیاس‌های مورد استفاده در این تحقیق از «آلفای کرونباخ» استفاده شده است.

اعتبار

مقیاس: اعتبار کل (خودباوری فرهنگی)

خلاصه وضعیت مراحل

	جامعه آماری	درصد
موارد معتبر	۳۰	۱۰۰,۰
حذف شده	۰	۰
جمع کل	۳۰	۱۰۰,۰

حذف لیست بر مبنای همه متغیرهای فرآیند صورت گرفته است.

آمار معتبر

نتایج آزمون آلفای کرونباخ	موارد دارای اعتبار
۰/۹۷۰	۱۸

نتایج آزمون آلفای کرونباخ نشان می‌دهد سؤالات مربوط به خودباوری فرهنگی دارای اعتبار ۰/۹۷۰ می‌باشد که این میزان نشان دهنده اعتبار بالای کل سؤالات پرسشنامه است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین جنسیت دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) چند متغیره استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان ۱۵۳

جدول (۱) مربوط به فراوانی و درصد پاسخ افراد به سوالات خودباوری فرهنگی با توجه به جنس

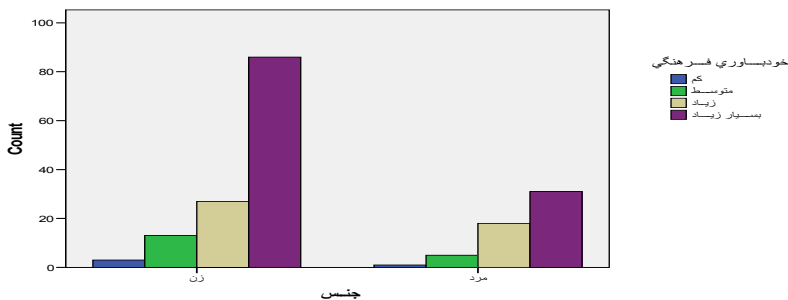
جنس		خودباوری فرهنگی				کل
		کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
زن	فراوانی	۳	۱۳	۲۷	۸۶	۱۲۹
	درصد	٪۱/۶	٪۷/۱	٪۱۴/۷	٪۴۶/۷	٪۷۰/۱
مرد	فراوانی	۱	۵	۱۸	۳۱	۵۵
	درصد	٪۰/۵	٪۲/۷	٪۹/۸	٪۱۶/۸	٪۲۹/۹
کل	فراوانی	۴	۱۸	۴۵	۱۱۷	۱۸۴
	درصد	٪۲/۲	٪۹/۸	٪۲۴/۵	٪۶۳/۶	٪۱۰۰/۰

جدول (۲) آزمون خی دو مربوط به رابطه بین خودباوری فرهنگی و جنسیت

	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون کای اسکوئر	۲/۹۲۲	۳	۰/۴۰۴
تعداد	۱۸۴		

نتایج آزمون خی دو در جدول فوق نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده (۲/۹۲۲) با درجه آزادی ۳ در سطح آلفای ۵ درصد معنادار نیست و فرض صفر رد نمی‌شود به عبارتی بین فراوانی پاسخ دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و هر دو گروه تقریباً به یک میزان به سوالات پاسخ داده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت بین جنسیت دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معناداری وجود ندارد.

۱۵۴.....فصلنامه فرهنگ ارتباطات (سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰)



فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین گرایش تحصیلی دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) چند متغیره استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

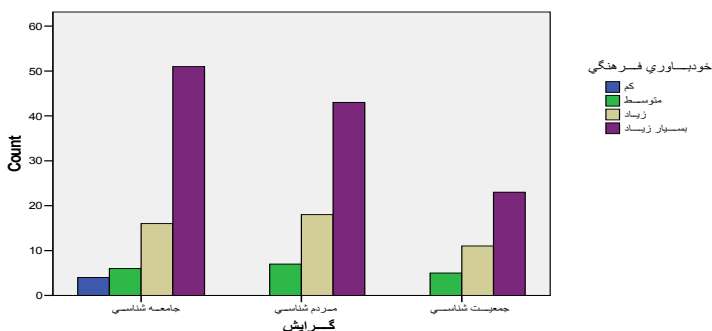
جدول (۳) مربوط به فراوانی گرایش تحصیلی دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان

گرایش	خودباوری فرهنگی				کل
	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
گرایش جامعه‌شناسی	۲	۶	۱۶	۵۱	۷۵
درصد	٪۲٫۷	٪۷٫۷	٪۲۱٫۳	٪۶۸٫۳	٪۴۱٫۸
گرایش مردم‌شناسی	۰	۷	۱۸	۴۳	۶۸
درصد	٪۰٫۰	٪۱۰٫۳	٪۲۶٫۵	٪۶۳٫۲	٪۳۷٫۰
گرایش جغیمت‌شناسی	۰	۵	۱۱	۲۳	۳۹
درصد	٪۰٫۰	٪۱۲٫۸	٪۲۸٫۲	٪۵۹٫۰	٪۲۱٫۲
گرایش کل	۲	۱۸	۴۵	۱۱۷	۱۸۲
درصد	٪۱٫۱	٪۹٫۹	٪۲۴٫۷	٪۶۴٫۳	٪۱۰۰٫۰

جدول (۴) آزمون خی دو مربوط به رابطه بین خودباوری فرهنگی و گرایش تحصیلی

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو	آزمون کای اسکوتر
۰/۳۰۰	۶	۷/۲۳۶	آزمون کای اسکوتر
		۱۸۴	تعداد

نتایج آزمون خی دو در جدول فوق نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده (۷/۲۳۶) با درجه آزادی ۶ در سطح آلفای ۵ درصد معنادار نیست و فرض صفر رد نمی‌شود به عبارتی بین فراوانی پاسخ دانشجویان در گرایش‌های تحصیلی جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی در زمینه خودباوری فرهنگی، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و هر سه گرایش تقریباً به یک میزان به سؤالات پاسخ داده‌اند در نتیجه می‌توان گفت بین گرایش تحصیلی دانشجویان رشته علوم اجتماعی و میزان خودباوری فرهنگی آنان رابطه معناداری وجود ندارد، اما با توجه به فراوانی پاسخ‌ها می‌توان گفت هر سه گرایش زیاد تا بسیار زیاد دارای خودباوری فرهنگی هستند.



فرضیه سوم: به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ ملی موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوتر (خی دو) استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

۱۵۶..... فصلنامه فرهنگ ارتباطات (سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰)

جدول (۵) فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار مربوط به تأثیر آگاهی دانشجویان از فرهنگ ملی بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

باقی مانده‌ها	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	درصد	
بسیار کم	۳۶/۸	۱	۵/۰	
کم	۳۶/۸	۹	۴/۹	
متوسط	۳۶/۸	۱۴	۷/۶	
زیاد	۳۶/۸	۴۸	۲۶/۱	
بسیار زیاد	۳۶/۸	۱۱۲	۶۰/۹	
کل	۳۶/۸	۱۸۴	۱۰۰/۰	

جدول (۶) آزمون خی دو مربوط به تأثیر آگاهی دانشجویان از فرهنگ ملی بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

فرهنگ ملی	
میزان خی دو	۲۲۷/۰۳۳
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از آزمون خی دو نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده ($\chi^2=227/033$) در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری مشاهده می‌شود، به طوری ۸۷ درصد از دانشجویان به میزان زیاد تا بسیار زیاد از فرهنگ ملی آگاهی دارند در نتیجه می‌توان گفت رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ ملی، خودباوری فرهنگی آنان را افزایش می‌دهد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی به

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان ۱۵۷

دانشجویان موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول (۷) فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار مربوط به تأثیر انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی به دانشجویان بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

باقی مانده‌ها	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	درصد
۱/۰-	۶۰/۶	۵	۷/۲
۰/۲۹-	۶۰/۶	۱۷	۲/۹
۰/۹	۶۰/۶	۵۵	۹/۲۹
۰/۶۱	۶۰/۶	۱۰۷	۲/۵۸
		۱۸۴	۰/۱۰۰

جدول (۸) آزمون خی دو مربوط به تأثیر انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی به دانشجویان بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

ارزش‌های فرهنگی	
میزان خی دو	۱۳۷/۴۷۸
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از آزمون خی دو نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده $(X^2=137/478)$ در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری مشاهده می‌شود، به طوری ۱/۸۹ درصد از دانشجویان به میزان زیاد تا بسیار زیاد ارزش‌های فرهنگ به خوبی به آنها انتقال یافته است در نتیجه می‌توان گفت رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح ارزش‌های فرهنگی به دانشجویان خودباوری فرهنگی آنان را افزایش می‌دهد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از

۱۵۸.....فصلنامه فرهنگ ارتباطات (سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰)

مفاخر ملی موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول (۹) فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار مربوط به تأثیر بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از مفاخر ملی بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

باقی مانده‌ها	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	درصد	
-۴۱/۰	۴۶/۰	۵	۲/۷	کم
-۲۷/۰	۴۶/۰	۱۹	۱۰/۳	متوسط
۱/۰	۴۶/۰	۴۷	۲۵/۵	زیاد
۶۷/۰	۴۶/۰	۱۱۳	۶۱/۴	بسیار زیاد
		۱۸۴	۱۰۰/۰	کل

جدول (۱۰) آزمون خی دو مربوط به تأثیر تأثیر بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از مفاخر ملی بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

	مفاخر ملی
میزان خی دو	۱۵۰/۰۰۰
درجه آزادی	۳
سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از آزمون خی دو نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده ($X^2=150/0$) در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری مشاهده می‌شود، به طوری ۸۶/۹ درصد از دانشجویان به میزان زیاد تا بسیار زیاد از مفاخر ملی کشور خود شناخت دارند در نتیجه می‌توان گفت رشته علوم اجتماعی با بالا بردن میزان شناخت دانشجویان از مفاخر ملی خودباوری فرهنگی آنان را افزایش می‌دهد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح عناصر مذهبی به

اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان ۱۵۹

دانشجویان موجب افزایش خودباوری فرهنگی آنان می‌گردد.
برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) استفاده شد و نتایج در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول (۱۱) فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار مربوط به تأثیر انتقال صحیح عناصر مذهبی به دانشجویان بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

باقی مانده‌ها	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده شده	درصد	
-۳۵/۸	۳۶/۸	۱	۵/۰	بسیار کم
-۳۲/۸	۳۶/۸	۴	۲/۲	کم
-۱۴/۸	۳۶/۸	۲۲	۱۲/۰	متوسط
۴/۲	۳۶/۸	۴۱	۲۲/۳	زیاد
۷۹/۲	۳۶/۸	۱۱۶	۶۳/۰	بسیار زیاد
		۱۸۴	۱۰۰/۰	کل

جدول (۱۲) آزمون خی دو مربوط به تأثیر انتقال صحیح عناصر مذهبی به دانشجویان بر افزایش خودباوری فرهنگی آنان

عناصر مذهبی	
میزان خی دو	۲۴۰/۹۴۶
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از آزمون خی دو نشان می‌دهد خی دو مشاهده شده ($\chi^2 = 240/946$) در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار تفاوت معناداری مشاهده می‌شود، به طوری ۸۵/۳ درصد از دانشجویان معتقدند به میزان زیاد تا بسیار زیاد عناصر مذهبی فرهنگشان به خوبی به آنها انتقال یافته است. در نتیجه می‌توان گفت رشته علوم اجتماعی با انتقال صحیح عناصر مذهبی به دانشجویان خودباوری فرهنگی آنان را افزایش می‌دهد.

نتیجه گیری

استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و آنچه که اصولاً میراث فرهنگ هر کشور نامیده می‌شود به نسل جدید منتقل شود. ساز و کار و یا وسیله این انتقال آموزش است و آموزش عالی (دانشگاه‌ها) نقش بسیار حساسی را در این امر به عهده دارند. در حقیقت آموزش عالی یکی از نهادهای اصلی جامعه است که تربیت انسان‌های مطلوب جامعه فردا را برعهده دارد و برای پرورش افراد مطلوب باید یک نظام آموزشی کارآمد وجود داشته باشد. در جوامع ساده ابتدایی آموزش هدف و منظور آگاهانه نداشت، هر فرد پس از متولد شدن به تدریج طی مراحل مختلف زندگی متناسب با سن و موقعیت اجتماعی خویش اصولی را فراگرفته و به زندگی بزرگسالی راه می‌یافت ولی با پیچیدگی‌های روزافزون زندگی اجتماعی و به وجود آمدن وسایل ارتباطی و اطلاعاتی نقش آموزش بیش از گذشته شد. یکی از وظایفی که آموزش عالی (دانشگاه‌ها) در دهه‌های حاضر بیشتر از پیش باید به آن بپردازد آشنایی جوانان با هویت فرهنگی سرزمینشان است که در قالب کارکرد فرهنگ، عقاید و ارزش‌ها نمایان می‌شود و جزء هدف‌های آموزش عالی است.

«میراث فرهنگی هر ملتی می‌تواند با جوشش و جهش خیره‌کننده، بندها را بگسلد و بنیادها و نهادهای ناتوان‌کننده و بازدارنده را فرو ریزد و طرحی نو در اندازد و موجبات ادامه زندگی افراد جامعه در فضایی سرشار از نیرو و شکوفایی بدون انحطاط را فراهم سازد» (بای، ۱۳۷۴: ۷).

تمدن کهن، غنی و پربر ایران در عرصه‌های مختلف هنر و فرهنگ، شاهکار بی‌نظیری به جهان هنر و فرهنگ ارزانی داشته است. شناخت و انتقال آن به نسل‌های بعدی یکی از اساسی‌ترین ارکان تحکیم هویت، ایجاد خلاقیت و خودباوری فرهنگی است.

دانشگاه می‌تواند با انتقال میراث فرهنگی به دانشجویان و فراهم کردن زمینه‌های آشنایی، درک، فهم و تفسیر آن موجبات خودباوری فرهنگی را در دانشجویان به وجود آورد و از این طریق می‌توان امیدوار بود که دانشجویان هنجارها، ارزش‌ها و به طور کلی میراث فرهنگی خود را شناخته و نسبت به آن ادای احترام نمایند و در مواجهه با فرهنگ غیر همساز، سست و دچار خلاء فکری نشوند.

مهمترین مسأله‌ای که در تعیین اهداف و گنجاندن تقویت روحیه خودباوری فرهنگی در

۱۶۱ اثر رشته تحصیلی بر خودباوری فرهنگی دانشجویان

برنامه‌های آموزش عالی می‌تواند نقش داشته باشد این است که افراد مؤثر در این امر و مسئولین مرتبط خودشان، خود و فرهنگ کشور خویش را باور داشته باشند.

اگر مسئولین آموزش عالی جوانان را درک کنند و به جوان ایرانی و هوش و استعداد ایرانی و به تاریخ پرشکوه علمی و فرهنگی ایرانیان معتقد باشند حتماً اهدافی را تعیین می‌کنند که کتاب‌های درسی دانشگاهی هم بر پایه آنها نوشته شده و ایران را به یک قطب مطمئن و محکم علمی و در عین حال متکی به فرهنگ خویش تبدیل می‌کنند.

محتوای آموزشی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی نیز باید بر خودباوری فرهنگی دانشجویان بیفزاید. می‌توان عناوین و محتوای کتب را طوری طراحی کرد که روحیه خودباوری و اتکاء به فرهنگ خودی را در آنها تقویت کند.

در علوم انسانی باید به بومی و اسلامی سازی این علوم همت گمارده و تقلید کننده صرف از غرب نباشیم.

در رشته علوم اجتماعی نیز توجه بیشتر به نظرات، اندیشه‌ها و آراء صاحب‌نظران ایرانی و بهره‌گیری از کتب تألیف اندیشمندان ایرانی در تدریس موجب افزایش خودباوری فرهنگی دانشجویان خواهد شد و آنها را به پژوهش و تفحص بیشتر در رشته علوم اجتماعی ترغیب می‌نماید.

پیشنهادها برای ارتقاء خودباوری فرهنگی دانشجویان

۱- ترویج و تبلیغ فرهنگ ناب ملی و دینی از طریق محتوای آموزشی رشته‌های دانشگاهی.

۲- تقویت خودباوری فرهنگی دانشجویان از راه تقویت اعتماد به نفس، خلاقیت و نوآوری آنان در دانشگاه.

۳- تکیه بیشتر بر داشته‌های فرهنگی و علمی سرزمین خود در زمینه رشته‌های دانشگاهی.

۴- توجه و تعمیق به فرهنگ و ارزش‌های معنوی و اخلاقی در دانشگاه‌ها به عنوان عامل تقویت کننده خودباوری فرهنگی و تضعیف کننده خودباختگی و از خودبیگانگی در میان دانشجویان.

۵- جلوگیری از نفوذ و نشر اندیشه‌های بیگانه و التقاطی در دانشگاه‌ها به عنوان عامل

۱۶۲.....فصلنامه فرهنگ ارتباطات (سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰)

آسیب‌زای خودباوری فرهنگی.

۶- ایجاد فضایی برای افزایش اشتیاق دانشجویان در رابطه با مسائل فرهنگی در محیط‌های دانشگاهی.

۷- پرهیز از سطحی‌نگری مسائل فرهنگی در رشته‌های تحصیلی دانشگاهی.

۸- عرضه صحیح و دقیق ارزش‌های فرهنگی و ملی با زبان روز به عنوان معیار هدایت و تنظیم رفتار دانشجویان.

۹- دفاع فرهنگی دانشگاه‌ها از طریق مسلح نمودن دانشجویان به ابزارها و سلاح‌های فکری، فرهنگی، علمی و هنری.

۱۰- ترغیب و تشویق دانشجویان به پژوهش و تحقیق درباره فرهنگ سرزمین خود.

Archive of SID

منابع

- بای، ا. (۱۳۷۴). میراث فرهنگی در تقابل با تهاجم فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای.
- روح الامینی، م. (۱۳۸۲). زمینه فرهنگ شناسی. تهران: انتشارات عطار.
- روشه، گ. (۱۳۸۲). تغییرات اجتماعی. (م. وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). دائرالمعارف علوم اجتماعی. تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صالحی امیری، س. ر. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: نشر ققنوس.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۳). دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان. نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- فرید، م. ص. (۱۳۸۰). مبانی انسان شناسی. تهران: نشر پشتون.
- گل محمدی، ا. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.
- گل محمدی، ا. (۱۳۸۳). گفتمان‌های هویت‌ساز در عصر جهانی شدن. نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نراقی، ا. (۱۳۶۳). علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن. انتشارات نیکان.
- ورجاوند، پ. (۱۳۶۸). پیشرفت و توسعه بر بنیاد و هویت فرهنگی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Swingewood, A. (1998). Cultural Theory and the Problem of Modernity. Mac Milan.

Impact of Educational Course on Students' Cultural Self Belief

Tahmoures Shiri (PhD) *

Fariba Javadinejad (MA)**

Abstract

This paper discusses the impact of education on students' cultural self belief (a random study from social science field).

The primary objective of this research is to investigate the effect of studying social sciences on the cultural self belief of students.

The frame work of this research is based on the theories of Emile Durkheim and Talcott Parsons. The research method used is of a survey type by collecting the opinion of students of the field through a questionnaire. The statistical group consisted of M.A students studying social sciences at Azad university-Tehran central unit.

The findings indicate that increasing the knowledge and understanding of students about their national culture and scholars as well as adoption of religious and cultural values by students would increase their self belief. It was also concluded that no relation can be established between students' gender and his/her self belief. There was also no relation between students' field of study and students' cultural self belief.

Key words: Culture, National Culture, Cultural Self belief, Cultural Values, Social Science.

* Assistant Professor and Faculty Member of Islamic Azad University/Tehran Central Branch. Shiri.tahmoures@gmail.com

MA, in social sciences Sociology Tendency, Islamic Azad University, Tehran Central Branch, fjavadi77@yahoo.com